

دکتر دیوید ای. دسیلوا، عبرانیان، جلسه ۸، عبرانیان ۹: ۱۰-۱۸: مسیح کفاره ما (بخش ۲)

دیوید دسیلوا و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

در آیات آغازین فصل ۱۰، نویسنده به بررسی علت ناتوانی قربانی‌های عهد اول در کامل کردن کسانی که به او نزدیک می‌شوند، می‌پردازد. به این ترتیب، او نیاز به کار کاهن را پس از مرتبه ملک‌یصدق از نو اثبات می‌کند. زیرا شریعت، که سایه‌ای از چیزهای نیکویی را که قرار بود بیاید، در خود نگه می‌دارد، و نه خود، شباهت آن چیزها، هرگز نمی‌تواند کسانی را که به وسیله همان قربانی‌های سالانه‌ای که دائماً تقدیم می‌کنند، به او نزدیک می‌شوند، کامل کند.

در اینجا، نویسنده در واقع شریعت را سایه‌ای از آنچه قرار بود بیاید، می‌نامد. او پیش از این این اصطلاح را فقط برای کپی زمینی خیمه آسمانی در فصل ۸، آیه ۵ به کار برده بود، اما اکنون اصطلاح سایه را برای توصیف ماهیت کل شریعت آیینی گسترش می‌دهد. این اصطلاح فاقد کارایی است زیرا فاقد جوهره واقعی است و به طور مبهم از خود به آیینی که قدرت لازم برای پاک کردن گناهان را دارد، یعنی قربانی کردن خود توسط عیسی، اشاره می‌کند.

برای بسیاری از محققان، کلمه سایه به طور خودکار دیدگاه‌های افلاطونی از کیهان و واقعیت را تداعی می‌کند. شاید با تمثیل غار افلاطون در کتاب جمهوری او آشنا باشید، جایی که سقراط اکثر مردم را اینگونه توصیف می‌کند که رو به ورودی غار، منبع نور، دارند، به دیوار روبروی خود نگاه می‌کنند و سایه‌هایی را می‌بینند که از جلوی آنها عبور می‌کنند، اما هرگز سر خود را به سمت دهانه غار بر نمی‌گردانند تا افراد واقعی را که در حال حرکت هستند و آن سایه‌ها را به دیوار می‌افکنند، ببینند. با این حال، نویسنده ما از جهات بسیار مهمی از تفکر افلاطونی فاصله می‌گیرد، زیرا نویسنده به چارچوب زمانی متعهد است که در آن خدا در تاریخ بشر دخالت می‌کند.

شریعت سایه چیزهای واقعی است که هنوز در آینده هستند، نه چیزهایی که از قبل در قلمرو مفاهیم ذهنی وجود دارند، مانند فلسفه افلاطون. شریعت سایه چیزهای خوبی است که از دیدگاه موسی قرار بود بیایند و اکنون، از دیدگاه واعظ، واقعاً در مقام کاهن اعظم عیسی آمده‌اند. تکرار سالانه قربانی‌های مقرر در تورات و در اینجا نویسنده عمدتاً به آیین سالانه روز کفاره فکر می‌کند، برای نویسنده نشانگر ناکارآمدی آنهاست.

او استدلالی خلاف این را به عنوان مدرک ارائه می‌دهد. اگر این آیین‌ها می‌توانستند وجدان را پاک کنند، آیا به دلیل پاک شدن همیشگی عبادت‌کنندگان و نداشتن گناه در وجدانشان، اجرای آنها متوقف نمی‌شد؟ اما در این آیین‌ها، یادآوری سالانه گناهان وجود دارد. فرض ناگفته در اینجا این است که پاکسازی وجدان باید یک عمل یک‌باره باشد و گناهان دیگر بر نمی‌گردند تا وجدان را دوباره آزار دهند.

نویسنده ممکن است در اینجا دو جنبه‌ی عهد جدید در پیشگویی ارمیا را در ذهن داشته باشد. از یک سو از بین بردن گناهان قدیمی که بین قوم خدا قرار گرفته بود، و از سوی دیگر، زنده کردن آنچه خدا را خشنود می‌کند، زیرا خدا الزامات خود را در ذهن و قلب درونی کاشته است تا وجدان دوباره آلوده نشود. به گفته‌ی نویسنده‌ی ما، قربانی‌های بی‌پایانی که تحت کاهنی لاوی انجام می‌شد، هدف بسیار متفاوتی را دنبال می‌کنند.

او به جای اینکه گناهان را از بین ببرد، ادعا می‌کند که در اینجا یادآوری سالانه گناهان وجود دارد. این ادعایی است که به نظر می‌رسد مبتنی بر تعمیم یک قربانی خاص در اعداد فصل ۵، آیه ۱۵ است، قربانی‌ای که برای یادآوری گناهان مظنون به زنا انجام می‌شد، قربانی‌ای که توسط یک شوهر حسود تقدیم می‌شد تا همسرش را دچار عذاب وجدان کند و گناه او را آشکار سازد. نویسنده به این قربانی واحد برای یادآوری

گناهان نگاه می‌کند و آن را به عنوان یک اصل کلی برای کل سیستم قربانی، از جمله قربانی‌های یوم کیپور یا روز کفاره، به کار می‌برد.

چنین تعمیمی از یک قانون خاص ممکن است برای ما بسیار عجیب به نظر برسد، اما مختص نویسندگان ما نبود. برای مثال، فیلون اسکندرانی از همان متن، اعداد ۱۵: ۵، به عنوان مدرکی استفاده می‌کند که قربانی کسی که قلبش با خدا روراست نیست، جز یادآوری گناهکار بودن او به خدا، کاری انجام نمی‌دهد. نویسندگان عبرانیان در واقع تفسیری ایدئولوژیک از روز کفاره ارائه داده است.

برای شرکت‌کنندگان واقعی آن، بدون شک چیزی بیش از یادآوری گناهان بود. برای مثال، لاویان ۱۶ آیه ۳۰ تمام نشانه‌هایی را که قرار است این آیین مؤثر باشد، ارائه می‌دهد. در آنجا می‌خوانیم که در این روز، کفاره‌ای برای شما انجام خواهد شد تا شما را از تمام گناهانتان پاک کند؛ شما در حضور خداوند پاک خواهید بود.

با این حال، نویسندگان عبرانیان ممکن است بپذیرد که این آیین‌ها رابطه را ترمیم می‌کنند، اما با موفقیت استدلال می‌کند که آنها به طور خاص رابطه را بهبود نمی‌بخشند. هنوز هم در ذهن او محدودیت شدید دسترسی به خدا تحت عهد اول و آیین‌های آن تعیین‌کننده است. یوم کیپور دسترسی محدود و درجه‌بندی‌شده به خدا را که توسط تورات تجویز شده بود، عملی کرد و تداوم بخشید.

هرگز به مردم اجازه نداد تا از موانعی که آنها را از خدا جدا می‌کرد، عبور کنند. بنابراین، در نهایت، هرگز مردم را واقعاً در برابر خداوند پاک نکرد. برای اثبات این نفی اساسی از اثربخشی یوم کیپور، نویسندگان این اصل را اضافه می‌کند که غیرممکن است خون گاوها و بزها گناهان را از بین ببرد.

اینکه نویسندگان بتوانند چنین ادعایی کنند، باید برای ما بسیار تعجب‌آور باشد، به خصوص با توجه به لاویان یا حتی اساسی‌تر در پرتو لاویان ۱۷، آیه ۱۱، جایی که صدای خداوند شنیده می‌شود تا تأیید کند که، ۱۶۳۰ زندگی جسم در خون است، و من آن را به شما داده‌ام تا کفاره‌ای برای زندگی شما بر روی قربانگاه باشد، زیرا به عنوان زندگی، این خون است که کفاره می‌کند. با این حال، نویسندگان عبرانیان بیش از یک هزاره از چنین دستورالعمل‌های آیینی فاصله دارد و از این مزیت برخوردار است که به گذشته خود و انتقاد پیامبران یهود از قربانی‌های حیوانات نگاه کند. در آن نوشته‌ها، پیامبران نگرانی خود را ابراز کردند که آیین‌های قربانی نباید صرفاً به عنوان دارویی علیه پیامدهای عادلانه ظلم و بی‌عدالتی بی‌حد و حصر استفاده شوند.

پیامبرانی مانند اشعیا پیش از این، ارزش اطاعت را در وهله اول بر قربانی‌های گناه که پس از شکست انجام می‌شد، ارجح می‌دانستند. آنها همچنین بر اهمیت درونی کردن ارزش‌های مثبت عشق و رحمت در رفتار با دیگر بنی‌اسرائیل و اجتناب از بی‌عدالتی و استثمار تأکید می‌کنند. نویسندگان همچنین می‌تواند به وحی‌های الهی نگاه کند و در مورد نارضایتی خداوند حتی از انزجار و رد قربانی‌های حیوانات بدون فداکاری قلب و زندگی صحبت کند.

اشعیا ۱، آیات ۱۱ تا ۱۳، نمونه‌ای از این گونه نبوی است. خداوند می‌گوید: فراوانی هدایای شما برای من چه اهمیتی دارد؟ من از قربانی‌های سوختنی کوچ‌ها و چربی بره‌ها سیر شده‌ام.

من خون گاوها و بزها را نمی‌خواهم. آوردن قربانی بی‌فایده است. در واقع، نویسندگان عبرانیان دو بار در توضیح خود درباره قربانی برتر عیسی از عبارت خون گاوها و بزها از این متن اشعیا استفاده کرده است.

ابتدا در فصل ۹، آیه ۱۳، و دوباره در اینجا در فصل ۱۰، آیه ۴. آنچه در متون نبوی تلاشی برای حفظ یکپارچگی سیستم قربانی بود، در عبرانیان به اعلام ناکارآمدی کامل خود سیستم تبدیل می‌شود. نویسندگان پس از اثبات نیاز به قربانی‌ای که فراتر از آنچه در سیستم کاهنان لاوی امکان‌پذیر بود، باشد، اکنون در کتاب

مقدس به دنبال دلیلی برای اعتقاد خود مبنی بر اینکه عیسی این نیاز را برآورده کرده است، می‌گردد. نویسندگان به مزمور ۴۰، آیات ۶ تا ۸، به عنوان دلیل اصلی ادعاهای رادیکال خود در مورد ناکارآمدی قربانی‌های حیوانی که خدا وضع کرده بود و همچنین به عنوان دلیلی برای قربانی داوطلبانه‌ای که یک قربانی انسانی می‌تواند در زمانی که آن قربانی‌ها نمی‌توانستند، انجام دهد، می‌پردازد.

و بنابراین، می‌خوانیم، بنابراین وقتی او به جهان می‌آید، می‌گوید، شما قربانی‌ها و هدایا را نخواستید، اما بدنی برای من آماده کردید. شما از تمام قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های گناه راضی نیستید. سپس گفتم، اینک من می‌آیم، در فصلی از کتاب که درباره من نوشته شده است، تا اراده تو را ای خدا انجام دهم.

او به بالا می‌گوید که شما نه قربانی‌ها و هدایا و قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های گناه را می‌خواستید و نه از آنها لذت می‌بردید، چیزهایی که طبق شریعت تقدیم می‌شوند. سپس می‌گوید: «اینک، من می‌آیم تا اراده تو را انجام دهم.» او اولی را برمی‌دارد تا دومی را بسازد که ما از طریق آن، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح، یک بار برای همیشه، تقدیس خواهیم شد.

وقتی نقل قول مزمور ۴۰ را آنطور که در متن عبرانیان آمده است با ترجمه‌ای از مزمور ۴۰ که مثلاً در اکثر ترجمه‌های انگلیسی عهد عتیق یافت می‌شود، مقایسه می‌کنیم، متوجه تفاوت‌های مهمی خواهیم شد. دلیل این امر آن است که باز هم، عهد عتیق انگلیسی تقریباً در هر کتاب مقدس بر اساس متن عبری، متن ماسورتی، است، در حالی که نویسندگان عبرانیان مزمور ۴۰ را در ترجمه یونانی آن، که معمولاً به عنوان ترجمه هفتادگانی (سبعینی) شناخته می‌شود، می‌خواند. در متن عبری مزمور، ما می‌خوانیم: «قربانی و هدیه را آرزو نمی‌کنید، بلکه گوش‌هایی را که برای من کنده‌اید، می‌کشید».

تو قربانی سوختنی و قربانی گناه را لازم ندانستی. سپس گفتم ببین، من طبق قانون کتاب که درباره من نوشته شده است، می‌آیم. من از انجام اراده تو لذت می‌برم. ای خدای من، قانون تو در قلب من نوشته شده است.

گوش‌های اعتراف مزمورنویس که برای من کنده‌اید، نشان می‌دهد که اطاعت از تورات، فراهم کردن گوش‌هایی برای شنیدن و توجه به فرامین خدا، جایگزین تخطی از تورات می‌شود، که باعث می‌شود قربانی‌های حیوانی که هنوز توسط مزمورنویس ضروری و مؤثر تلقی می‌شوند، در وهله اول ضروری باشند. اما یهودیانی که مزمور عبری را به یونانی ترجمه کرده‌اند، گوش‌هایی را که شما برای من کنده‌اید، به عنوان بدنی که برای من آماده کرده‌اید، ارائه داده‌اند. این تغییر می‌توانست به عنوان تصویری از نظر زیبایی‌شناسی خوشایندتر معرفی شود، زیرا کردن گوش‌ها می‌توانست در ارائه عمل خلاقانه خدا، تصویری بیش از حد زشت یا صرفاً بیش از حد انسان‌انگارانه تلقی شود.

با این حال، مترجم با این وجود همان معنای متن عبری را منتقل می‌کرده است. اطاعت از تورات، به عنوان بدنی که به آن داده شده تا با آن شروط عهد خدا را اجرا کند، خدا را خشنود می‌کند، در حالی که گناهی که به دنبال آن قربانی‌های کفاره انجام می‌شود، خدا را خشنود نخواهد کرد، اگرچه هنوز هم ممکن است بخشش را تضمین کند. با این حال، نویسندگان عبرانیان وقتی این مزمور را از زبان عیسی بیان می‌کند، تفسیر بسیار متفاوتی می‌یابد.

این یک شیوه تفسیری از اوست که قبلاً در طول این خطبه با آن مواجه شده‌ایم. در عین حال، او این را مطابق با اصل خود تفسیر می‌کند که یک کلام جدیدتر خدا می‌تواند یک حکم قدیمی‌تر را اصلاح، روشن یا حتی باطل کند. به عبارت دیگر، ممکن است خدا واقعاً قربانی‌های حیوانات را در لایوان وضع کرده باشد اما قرن‌ها بعد، با صدای مزمورنویس، این وحی از جانب خدا، عدم رضایت خدا از آن قربانی‌ها را به طور کامل و تمایل خدا به چیز دیگری را اعلام می‌کند.

«وقتی نویسنده عبرانیان نقل قول این مزمور را با عبارت «بنابراین وقتی او، یعنی پسر عیسی، به جهان می‌آید آغاز می‌کند، به طور ظریفی زمینه تفسیری متن مزمور را فراهم می‌کند. آماده شدن یک بدن اکنون به عنوان پسری شنیده می‌شود که گوشت و خون مشترک بین خواهران و برادران را به خود می‌گیرد. کلمه تبدیل شدن به جسم، گویی در تجسم وجود دارد».

نویسنده پس از تلاوت متن مزمور، بار دیگر آن را مرور می‌کند و تضاد بین رد قربانی‌هایی که طبق شریعت تقدیم می‌شوند از سوی خداوند و پذیرش ضمنی نوع دیگری از قربانی از سوی خداوند را برجسته می‌کند که شامل اطاعت داوطلبانه پسری است که خداوند برای او بدنی به عنوان جایگزین قربانی‌های قبلی، یعنی قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های حیوانی، آماده کرده است. بنابراین، در مزمور ۴۰، نویسنده ما یک حکم معتبر از کتاب مقدس می‌یابد که ادعای او را مبنی بر اینکه قربانی‌های حیوانی هیچ فایده قابل توجهی برای رابطه الهی-انسانی ندارند، تأیید می‌کند. در واقع، خداوند این قربانی‌ها را به نفع قربانی عیسی کنار گذاشته است.

همانطور که خود نویسنده نوشته است، او مورد اول را کنار می‌گذارد یا حذف می‌کند تا مورد دوم را تثبیت کند. معنای انجام اراده خدا در مزمور در آیه ۱۰ روشن شده است. به وسیله این اراده، ما از طریق قربانی بدن عیسی مسیح، یک بار برای همیشه تقدیس شده‌ایم.

نویسنده در اینجا سه کلمه کلیدی از نقل قول مزمور را دوباره زمینه‌سازی می‌کند، بدن را ارائه می‌دهد و آنها را در تفسیر قاطع خود از این متن مزمور جای می‌دهد. این مزمور از اعلام تعهد به رعایت تورات به عنوان وسیله‌ای بهتر برای خشنودی خدا، به وحی‌ای تبدیل می‌شود که وسیله‌ای را اعلام می‌کند که اراده خدا برای اراده با فداکاری بدن عیسی که توسط خدا برای او و برای همین منظور آماده شده است، محقق می‌شود. بدین ترتیب، کتاب مقدس، توجیهی برای قربانی عجیب و غریبی که کلیسای اولیه مرگ مسیح را آن می‌دانست، ارائه می‌دهد.

در فصل ۱۰، آیات ۱۱ تا ۱۸، نویسنده استدلال اصلی خود را به نتیجه‌گیری می‌رساند. او این کار را با آوردن آیه ۱ از مزمور ۱۱۰ انجام می‌دهد: «در دست راست من بنشینید تا دشمنان را زیر پایتان بگذارم»، آیه‌ای که در سراسر این خطبه در بحث او در مورد کار کاهنی عیسی برجسته بوده است. با انجام این کار، نویسنده می‌تواند ادعاهای خود را در مورد اثربخشی فداکاری یکبار برای همیشه عیسی به طرز شگفت‌انگیزی تأیید کند.

و بنابراین، همانطور که می‌خوانیم، هر کاهنی روزانه خدمت می‌کند و مرتباً همان قربانی‌هایی را تقدیم می‌کند که هرگز قادر به از بین بردن گناه نیستند. اما این کاهن، پس از تقدیم یک قربانی به نیابت از گناهان، برای همیشه در دست راست خدا نشست و منتظر ماند تا دشمنانش زیر پای او قرار گیرند. زیرا با یک قربانی کسانی را که تقدیس می‌شوند برای همیشه کامل کرده است.

نویسنده در اینجا به مفاهیم مزمور ۱۱۰ آیه ۱، یعنی نشستن عیسی به عنوان کاهن عیسی، که موضوع مزمور ۱۱۰ آیه ۴ است، می‌پردازد. ایستادن به عنوان حالت خدمت در خیمه و معبد شناخته می‌شد. تثنیه آیه ۸ از قبیله لاوی به عنوان کسانی که جدا شده‌اند، نقل قول می‌کنند، برای ایستادن در مقابل خدا ۱۰ جهت خدمت صحبت می‌کند. لاویان به عنوان کسانی توصیف می‌شوند که، باز هم نقل قول می‌کنند، در تثنیه ۱۸ آیه ۷ برای خدمت در حضور خداوند می‌ایستند. وقتی کاهن، به ترتیب ملک‌یصدق، در مزمور ۱۱۰ آیه ۱ دعوت می‌شود تا در دست راست خدا بنشیند، نویسنده استنباط می‌کند که متن نکته مهمی در مورد کاهنی عیسی می‌گوید.

این مزمور، کهانتی را ارائه می‌دهد که درگیر فعالیت‌های فرقه‌ای مکرر، فعالیتی که مستلزم ایستادن یک کاهن است، نخواهد شد. در عوض، آیه ۱ مزمور ۱۱۰، یک عمل کهانت کامل را پیش‌بینی می‌کند که پس از آن کاهن صاحب منصب در سلسله ملک‌ی‌صدق می‌تواند برای مدت طولانی بین عروج خود و مطیع‌سازی نهایی دشمنانش بنشیند. نویسنده با بازگشت به آن جزء دوم مزمور ۱۱۰، آیه ۱، تا زمانی که دشمنانت را زیر پایت قرار دهم، به آن نغمه آخرالزمانی که در فصل ۹، آیات ۲۶ تا ۲۸، زده بود، نیز بازمی‌گردد.

با این حال، او در اینجا روی دیگر عیسی را که برای بار دوم ظاهر می‌شود، برجسته می‌کند. این ظهور نه تنها برای پادشاه دادن به کسانی خواهد بود که مشتاقانه منتظر او هستند، همانطور که در آیات ۹ و ۲۶ تا ۲۸ گفته است، بلکه برای مطیع کردن کسانی است که با پسر مخالفت می‌کنند و شریک و دوست او نشده‌اند. برای آن دسته از مسیحیانی که در میان مخاطبان به او وفادار مانده‌اند، این اطمینان خاطر خوشایندی را فراهم می‌کند که خدایی که از عزت عیسی دفاع کرد، از عزت موکلان عیسی نیز در برابر کسانی که با هر دو به شدت مخالفت کرده‌اند، دفاع خواهد کرد.

با این حال، برای کسانی که در تعهد خود مردد هستند و در مورد مزایای کناره‌گیری از ارتباط آشکار با نام مسیح می‌اندیشند، این گزینه‌ها به آنها کمک می‌کند تا در گروه مسیحی باقی بمانند. واعظ این موضوع را در نصایحی که در بخشی که با عبرانیان ۱۰ آیه ۱۹ آغاز می‌شود، دنبال می‌شود، تقویت خواهد کرد. فرد می‌تواند یا از تطهیر وجدان لذت ببرد که دسترسی بی‌سابقه‌ای به حضور خدا را فراهم می‌کند، یا می‌تواند به افراط مخالف برود و با پسر به عنوان دشمن و خدا به عنوان قاضی و عامل مجازات روبرو شود.

نویسنده، آیه ۱۴ از فصل ۱۰ را به عنوان راه حلی برای وعده، ببخشید، مشکلی که در آیه ۱ از فصل ۱۰ اعلام شده بود، مطرح کرده است. سه اصطلاح یا عبارت مشترک، آیات ۱ و ۱۴ را به عنوان ضمیمه، به اصطلاح، حاشیه‌های کلامی، در اطراف این بخش مشخص می‌کنند. در حالی که قربانی‌های دائمی که توسط تورات تجویز شده‌اند، قادر به کامل کردن کسانی که به خدا نزدیک می‌شوند نیستند، عیسی با یک قربانی پرستندگانی را که از طریق او به خدا نزدیک می‌شوند، برای همیشه کامل کرده است.

سه اصطلاح مشترک در اینجا عبارتند از: ارائه دادن، دائماً و کامل، و این به شنوندگان نشان می‌دهد که مشکل مطرح شده در آیه ۱ اکنون در آیه ۱۴ پاسخ داده شده است. اولین پاراگراف نصیحت که پس از این شرح طولانی در فصل ۱۰، آیات ۱۹ تا ۲۲ آمده است، شنوندگان را ترغیب می‌کند تا مزایایی را که تطهیر جدید و کامل‌تر آنها توسط مسیح برایشان به ارمغان آورده است، حفظ کنند. این نصیحت همچنین تکرار نصیحت قبلی در فصل ۴، آیات ۱۴ تا ۱۶ است، به طوری که در اصل، کل استدلال اصلی خطبه در مورد کهانت عیسی برای نشان دادن این است که چرا شنوندگان می‌توانند با اطمینان به نصیحتی که قبلاً در فصل آیات ۱۴ تا ۱۶ داده شده است، عمل کنند و چرا شنوندگان واقعاً می‌توانند از دسترسی خود به حضور ۴، خدا و کمک به موقع خدا برای استقامت در زیارت مسیحی خود به شهر و وطن بهترشان مطمئن باشند.

نویسنده این بخش اصلی را با بازخوانی دوم ارمیا ۳۱، این بار فقط آیات ۳۳ و ۳۴، به پایان می‌رساند و سخنرانی خود را کامل می‌کند. او تمام ارمیا ۳۱:۳۱ تا ۳۴ را در عبرانیان ۸، آیات ۷ تا ۱۳ نقل کرده بود. در اینجا، تکرار برخی از آن آیات به عنوان نوعی پرسش و پاسخ کتاب مقدس برای تفسیر نویسنده عمل می‌کند.

یک اعلامیه، ببینید، من آنچه را که می‌خواستم اثبات کنم، ثابت کرده‌ام و نشان داده‌ام که چگونه پیشگویی نبوی ارمیا در مرگ عیسی و فعالیت‌های پس از رستاخیز او به حقیقت پیوست. هیچ مرجعی کمتر از روح القدس برای شهادت به حقیقت آنچه نویسنده شرح داده است، آورده نشده است. و روح القدس نیز برای ما شهادت می‌دهد، زیرا پس از اینکه خداوند می‌گوید، این عهدی است که پس از آن روزها با آنها خواهیم بست، با قرار دادن قوانین خود بر قلب‌هایشان، آنها را حتی بر ذهن‌هایشان خواهیم نوشت، و گناهان و خطاهای آنها را قطعاً دیگر به یاد نخواهم آورد.

جایی که بخشش این گناهان وجود دارد، دیگر قربانی برای گناهان وجود ندارد. واقعیت آغاز عهد جدید، که فرضیه‌ای اساسی در فرهنگ مسیحی است و بعید است که مخاطبان واعظ آن را مورد بحث قرار دهند طبق پیشگویی ارمیا، به معنای بخشش قطعی گناهان است. این بار دیگر گواه بر حقیقت ادعایی است که نویسندگان در عبرانیان ۱۰ آیه ۱۴ مطرح کرده است.

نویسندگان توجه را به دو جزء وعده عهد جدید جلب می‌کند. نه تنها وعده خدا برای از بین بردن گناهانی که به عنوان مانعی بین خدا و قوم خدا قرار گرفته‌اند، بلکه وعده خدا برای تجهیز مردم به آگاهی درونی از آنچه خدا را خشنود می‌کند، تا مردم بتوانند مطیعانه و به گونه‌ای زندگی کنند که خدا را خشنود سازد. نویسندگان همچنین جماعت را ترغیب می‌کند که از هر دو مزیت ارائه شده در عهد جدید بهره ببرند.

او در نصیحت‌هایی که قبل و بعد از این سخنرانی اصلی می‌کند، از آنها می‌خواهد که از مزیت رفتن جسورانه به تخت خدا استفاده کنند و در طول خطبه آنها را به زندگی‌ای دعوت می‌کند که مورد تأیید خدا باشد. آنچه او در پایان اینجا می‌نویسد، جایی که بخشش اینها وجود دارد، دیگر جایی برای قربانی گناه وجود ندارد و او دو جهت را در پیش خواهد گرفت. در اینجا، این جمله به عنوان تأییدی بر تأثیر قاطع مرگ عیسی به جای ما، به طور مثبت تفسیر می‌شود.

با این حال، تنها چند نفس بعد، در فصل ۱۰، آیات ۲۶ تا ۳۱، نویسندگان به این واقعیت بازمی‌گردد که هیچ قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند، به عنوان بخشی از هشدار بسیار تهدیدآمیز او مبنی بر اینکه از کسی که این قربانی گناه قطعی و نهایی را از طرف آنها تقدیم کرده است، جدا نشوید. عبرانیان ۹:۱ تا ۱۰:۱۸، نیمه دوم گفتمان اصلی نویسندگان در مورد کهنات عیسی، اهداف بلاغی نویسندگان را برای این خطبه از چندین طریق مهم پیش برده است. اول، این خطبه اعتقادات کلیدی جامعه مسیحی در مورد عیسی، مرگ او و پیامدهای آن را تقویت می‌کند.

واعظ این وقایع را به عنوان کفاره قطعی گناهان و شایستگی قطعی پیروان مسیح برای ورود به حضور ابدی خدا معرفی می‌کند و همچنین اهمیت مرگ و عروج عیسی را به عنوان آغاز عهد جدید، و تحقق وعده‌های آن، بیان می‌کند. دوم، نویسندگان در ارائه آنچه که اساساً یک عمل آیینی آسمانی نامرئی است، شنوندگان را دعوت می‌کند تا به طور تخیلی در آنچه که پس از عروج عیسی، عزیمت او از قلمرو مرئی، در قلمرو نامرئی اتفاق می‌افتد یا آنچه که از نظر تاریخی اتفاق افتاده است، درگیر شوند. از جمله موارد دیگر، این امر واقعیت آن قلمرو دیگر و همچنین واقعیت فعالیت فراتر از مرگ را برای شنوندگان تقویت می‌کند.

این موارد به ویژه از اهمیت بالایی برخوردارند، زیرا نویسندگان قصد دارد شنوندگان را نه تنها برای این زندگی بلکه برای زندگی عصر آینده نیز زندگی کند و نویسندگان قصد دارد شنوندگان را به کنار گذاشتن کالاهای این زندگی، این دنیای مادی مرئی، به نفع آنچه در آن کره آسمانی نامرئی دارند، ترغیب کند. هر چه بیشتر بتواند آنها را درگیر تفکر در مورد آن کره به عنوان یک واقعیت، به عنوان مکانی که در آن عمل واقعی اتفاق می‌افتد، مانند ورود عیسی به آنجا به نمایندگی از آنها و نشستن در دست راست خدا، کند، بیشتر آنها را از تفکر در مورد این دنیا، این واقعیت مرئی، به عنوان تنها واقعیتی که باید نگران آن باشند، رها می‌کند. سوم، او مزایای بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای را که عیسی برای آنها به دست آورده و بر اساس دلبستگی آنها به عیسی از آن بهره‌مند شده‌اند، بیان می‌کند.

این ارائه مزیت، پایه و اساس نصایح نویسندگان می‌شود، چه آن‌هایی که قبلاً در فصل چهارم مطرح کرده بود و چه نصایح بعدی که بقیه خطبه او را تشکیل می‌دهند. این فصل‌ها همچنان ما را به چالش می‌کشند و همچنین ما را در مورد شاگردی و خدمت در متن خود به فکر فرو می‌برند. اولاً، ما نمی‌توانیم انتقاد نویسندگان از دسترسی درجه‌بندی شده به خدا تحت نظام لاویان را بدون تفکر انتقادی در مورد اینکه چگونه ممکن

است دسترسی به خدا را محدود کنیم و سلسله مراتب جدیدی را در جماعت‌های مسیحی خود ایجاد کنیم. بخوانیم.

اگرچه روحانیون اهداف بسیار مهمی را در کلیسا ایفا می‌کنند، اما همیشه این خطر وجود دارد که تمایز بین عوام و روحانیون، نوعی دسترسی درجه‌بندی‌شده به خدا را که نویسندگان عبرانیان آن را نقص عمیق سیستم لایوان می‌دانست، دوباره برقرار کند. روحانیون را می‌توان به عنوان واسطه‌های جدید در نظر گرفت، نه صرفاً به عنوان تسهیل‌کنندگان و تجهیزکنندگان برای کل بدنه مؤمنان که با هم کهناتی را که خداوند به همه آنها به طور مساوی اعطا کرده است، به اجرا در می‌آورند. روحانیون را همچنین می‌توان به عنوان متخصصان خدمت در نظر گرفت، کسانی که برای انجام کار کلیسا منصوب شده‌اند، نه به عنوان تجهیزکنندگان همه خادمان کلیسا که با تقدیم عیسی برای خدمت کهنات خود در گسترش لطف خدا به دیگران تقدیس شده‌اند.

همچنین این خطر وجود دارد که مردم عادی زندگی خود را به اندازه زندگی روحانیون مقدس ندانند و ممکن است مسئولیت‌هایی را که تقدیس معنوی آنها توسط مسیح بر عهده آنها گذاشته است، بر عهده نگیرند. موعظه به عبرانیان در فصل ۱۳، مؤمنان را به تقدیم قربانی‌های عبادت، شهادت و اعمال محبت و خدمت فرا می‌خواند. بنابراین واعظ، فعالیت روزانه مردم عادی را به زبان فعالیت کاهنان بیان می‌کند.

بنابراین، بر ما در کلیسا واجب است، در حالی که همچنان به کار متخصصان تمام وقت خدمت و آنچه روحانیون برای جماعت به ارمغان می‌آورند، احترام می‌گذاریم، نه اینکه دوباره تفرقه و سیستم طبقاتی را برقرار کنیم، چیزی که نویسندگان عبرانیان، عیسی را در کار کاهنی خود به نمایندگی از کل قوم خدا بر آن غلبه کرده است. اکنون، برداشته شدن همه موانع برای دسترسی ما به خدا، همه ما را به خدمت کوشا در دعا و تبلیغ پیوستن به کار شایسته کاهنان، اعلام آشتی خدا و انسان‌ها و دعوت دیگران به راه جدید و صمیمانه ارتباط با خدا که عیسی برای همه ما گشوده است، فرا می‌خواند. دوم، نویسندگان عبرانیان ما را با آگاهی از زندگی بین کار کاهنی که عیسی از طرف ما در مرگ، رستخیز و عروج خود انجام داده است و کاری که عیسی قرار است هنگام بازگشت دوباره انجام دهد، نه برای مقابله با گناهان، بلکه برای پاداش دادن به کسانی که مشتاقانه منتظر او هستند و دشمنانش را مطیع خود می‌کنند، رها می‌کند.

وظیفه ما در این فاصله زمانی این است که به حامی الهی آشتی‌کرده خود وفادار بمانیم و به مردمی که به نام خدا خوانده می‌شوند متعهد بمانیم، در مواجهه با جامعه‌ای بی‌ایمان، گاهی مسخره‌کننده و گاهی حتی خصمانه، وفاداری خود را نشان دهیم و همانطور که نویسندگان در عبرانیان ۹:۲۸ بیان می‌کند، مشتاقانه منتظر مسیح باشیم. این انتظار به معنای انتخاب فعالیت‌هایمان، تعیین اولویت‌هایمان و شکل دادن به آرزوهایمان در پرتو روزی است که مسیح بار دیگر ظهور خواهد کرد. با این تمرکز بر آرزوهایمان، همانطور که خود را وقف شهادت، عبادت، اعمال محبت و مشارکت می‌کنیم، درمی‌یابیم که در واقع در حال انجام شریعتی هستیم که در قلب و ذهنمان نوشته شده است، زندگی‌هایی را سپری می‌کنیم که مورد رضایت خدا هستند و از آلودگی‌های تازه وجدان اجتناب می‌کنیم.